

میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن

دکتر اصغر میرفردی^۱
دکتر سیروس احمدی^۲
آسیه صادق نیا^۳

۸۹/۱۱/۲

تاریخ دریافت:

۸۹/۱۲/۲۱

تاریخ پذیرش:

چکیده

نزاع نوعی بی‌نظمی در روابط اجتماعی میان افراد و گروه‌ها می‌باشد که یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی استان کهگیلویه و بویراحمد محسوب می‌شود. این مسئله پیامدهای اجتماعی گوناگونی را در بر داشته که از مهمترین آن‌ها می‌توان به کاهش ابعاد گوناگون امنیت در جامعه یاد شده اشاره نمود. این پژوهش با هدف بررسی میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ساکن در شهرستان بویراحمد و ارتباط آن با اعتماد اجتماعی، خویشاوندگرایی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سن انجام شده است. روش بکار رفته در این پژوهش، روش پیمایشی بوده است. جمعیت آماری کلیه مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد بوده که ۳۹۵ نفر به عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه بوده که جهت تعیین اعتبار آن از روش اعتبار سازه به کمک تکنیک تحلیل عاملی و جهت تعیین پایایی از شیوه هم‌هنگی درونی به روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج پژوهش در راستای دستیابی به هدف اولیه پژوهشگر بیانگر آن هستند که میانگین نمره گرایش به نزاع جمعی برای پاسخگویان، به طور معناداری بیشتر از میانگین نمره واقعی که ۳۹ می‌باشد، است. نتایج پژوهش نشان داد که متغیر اعتماد اجتماعی تأثیری بر گرایش به نزاع جمعی نداشته است، اما خویشاوندگرایی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سن تأثیر معناداری بر گرایش به نزاع جمعی داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: گرایش به نزاع جمعی، اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی، اعتماد تعمیم یافته، خویشاوندگرایی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، بویراحمد.

۱- دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج

as_mirfardi@mail.yu.ac.ir

۲- دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

بایداری هر جامعه بر اساس روابط حاکم بر آن است. خانواده به عنوان کوچکترین نهاد اجتماعی، اولین پایگاه اجتماعی برای جامعه پذیری فرد و تعامل وی با جامعه است. اتحاد بین خانواده، بر اساس نقش‌های درون گروهی (نظیر مادر و فرزند، یا خواهران و برادران) استوار می‌گردد، که این روابط به طور سنتی یا از طریق عادت در طول زندگی تداوم می‌یابند. بنابراین، خانواده، گروه‌های دوستی، طایفه‌ها، همسایگان و فرقه‌های مذهبی در درون جامعه را می‌توان با صفت اجتماع گونه توصیف کرد؛ اجتماع گروه‌های فوق‌الذکر برای هدفی مشترک است، هر چند گاه در بافت و بطن این اجتماع‌ها نیز تقابلهایی ایجاد می‌شود: من علیه برادرم، من و برادرم علیه عموزاده‌ها، من و برادر و عموزاده‌هایم علیه دیگران. ایجاد آسیب و نابهنجاری در اجتماع، روابط حاکم بر اجتماع‌ها را دچار تزلزل می‌کند و در پی این تزلزل، تخریب‌های غیرقابل جبران جسمی، روحی، اقتصادی و اجتماعی پدید می‌آید. نزاع جمعی^۱ یکی از انواع آسیب‌های اجتماعی می‌باشد. «نزاع به عنوان یک آسیب اجتماعی، عمدتاً ناظر به پدیده ضرب و شتم میان حداقل دو نفر می‌باشد و تعریف اصطلاحی آن عبارت است از کنش جمعی دو یا چند نفر که به قصد آسیب رساندن به انسان دیگری صورت می‌گیرد. این آسیب ممکن است جسمی یا روحی، فردی یا جمعی و جانی یا مالی باشد» (خراط‌ها، ۱۳۸۵: ۱۰ به نقل از هاشمی، ۱۳۸۷: ۳۱).

آمارهای موجود، نشانگر وضعیت این آسیب اجتماعی در جامعه می‌باشد، به گونه‌ای که طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰، جمعاً ۳۰۲۹۹ مورد نزاع غیر مسلحانه در کشور ثبت شده است. در این نزاع‌ها ۶۶۰ نفر کشته و ۲۷۶۳۳ نفر مجروح شده‌اند. در این رابطه، ۶۷۶۲۳ نفر نیز دستگیر و به مقامات قضائی تحویل شده‌اند. بیشترین نزاع دسته جمعی غیر مسلحانه مربوط به سال ۷۷، بیشترین کشته و مجروح مربوط به سال ۸۰ بوده است (حسینی، ۱۳۸۳: ۹۹)؛ همچنین وزارت کشور در سال ۱۳۸۳ بیان داشته است که میانگین فراوانی نزاع دسته جمعی در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ برای کل کشور معادل ۱۱/۸ مورد به ازاء هر صد هزار نفر بوده است؛ این میزان برای استان

کهگیلویه و بویراحمد معادل ۱۸ مورد بوده که نسبت به میانگین کشوری بسیار بالاتر است و در مقایسه با استان‌های دیگر، رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است (وزارت کشور، ۱۳۸۳:۱۳۵). همچنین در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷؛ ۲۱۰۰۰ فقره نزاع و درگیری (به طور میانگین روزی ده نزاع) در سطح استان به وقوع پیوسته که در حدود ۱۰ درصد از این نزاع‌ها، جمعی و ۹۰ درصد، فردی بوده است (حقی و افشار، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

این مسأله با وقوع قتل، نقص عضو، زندان، خسارت مالی و بحران‌های روحی غیرقابل جبران برای هر دو طرف نزاع و خانواده‌های آن‌ها و ایجاد پیامدهایی چون افزایش آسیب‌های اجتماعی، تأثیر منفی بر امنیت اجتماعی و مخدوش نمودن چهره فرهنگی استان نیازمند توجه و بررسی می‌باشد. مضاف بر اینکه در صورت عدم شناخت دقیق انحرافات اجتماعی چون نزاع جمعی بایستی شاهد پیامدهای غیر قابل جبران و فلج کننده آن در جامعه بود. در این راستا، هدف کلی پژوهش حاضر این بوده که میزان گرایش به نزاع جمعی را در بین مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد بررسی و ارتباط آن را با عواملی چون اعتماد اجتماعی، خویشاوندگرایی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سن آشکار نماید.

سابقه انجام پژوهش

به صورت اجمالی بخشی از مطالعات خارجی و داخلی مرور می‌شوند. بررسی آثار خارجی صورت گرفته نشان می‌دهد که اکثریت این مطالعات خشونت، تضاد، و پرخاشگری‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند و بررسی مطالعات در ارتباط با خشونت حاکی از آن است که بیشتر به خشونت‌های خانوادگی، سیاسی و بین فردی توجه نموده‌اند؛ و می‌توان گفت آن چه که در این پژوهش مورد نظر می‌باشد- نزاع جمعی- در پژوهش‌های خارجی به عنوان مسئله پژوهش نبوده است، مگر با عنوان تضادهای قومی که واژه قوم نیز در اکثر پژوهش‌ها با مفهومی متفاوت از طایفه و یا گروه‌های خانوادگی در برخی نقاط ایران می‌باشد. برخی از این پژوهش‌ها را به صورت مختصر به صورت زیر می‌توان معرفی نمود:

Archive of SID

لی فرانس^۱ و همکاران (۲۰۰۷) پژوهشی تحت عنوان «خشونت‌های بین فردی در سه کشور کارائیب: باربادوس^۲، جامائیکا^۳ و ترینیداد و توباگو^۴» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که قربانیان خشونت جنسی بیشتر از جنس مؤنث بودند که بیشترین میزان را در جامائیکا داشت. به نظر این پژوهشگران سطوح بسیار بالای خشونت بین فردی گزارش شده نشانگر سطح بسیار بالای تحمل میان قربانیان و فرهنگ خشونت می‌باشد.

بنتا^۵ و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهش خود تحت عنوان «نقش جنسیت در ایجاد رفتار مجرمانه» به بررسی نقش تفاوت‌های جنسیتی در جرم و خشونت پرداختند، نتایج بررسی‌ها و مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد که تفاوت‌های جنسیتی در توسعه درک اجتماعی، ممکن است به توضیح تفاوت‌های جنسیتی در جرم و خشونت کمک کند. همچنین یکی از دلایلی که دختران میزان تخلف کمتر دارند، این مسئله می‌باشد که آنها مهارت‌های ادراکی اجتماعی را در زندگی، زودتر از پسران فراگرفته و بکار می‌بندند.

در تحقیقات داخلی پژوهش‌های بسیاری در ارتباط با انواع خشونت‌ها صورت گرفته است، اما تحقیقاتی که در ارتباط با نزاع‌های جمعی می‌باشد، اصولاً پژوهش‌هایی هستند که در استان‌های لرستان، ایلام، چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد صورت گرفته‌اند، و عموماً محققان در این پژوهش‌ها به زمینه‌های فرهنگی که بر این برخوردها غالب بوده است، اتفاق نظر داشته‌اند. در زیر به صورت مختصر به برخی از پژوهش‌های داخلی اشاره می‌گردد.

به صورت مختصر می‌توان اشاره نمود که:

چلبی و عبداللهی (۱۳۷۲) در تحقیقی با عنوان «توصیف و تبیین جامعه شناختی نزاع‌های جمعی در استان لرستان» به این نتیجه رسیده است که به طور کلی میزان انسجام عام در سطح استان نسبتاً ضعیف بوده و یکی از علل مهم نزاع‌های جمعی به حساب آمده است.

1- Le Franc, E.

2- Barbados

3- Jamaica

4- Trinidad and Tobago

5- Bennetta,S.

نظری (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه شناختی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر مسأله نزاع جمعی (مطالعه موردی استان ایلام)» به این نتیجه رسیده که متغیرهای «پرخاشگری»، «قوم گرایی» و «تجربه عینی نزاع» تأثیر معنی دار و مثبت و میزان کنترل اجتماعی و تحصیلات نیز تأثیر معنی دار و منفی بر روی میزان گرایش به نزاع داشته اند.

خیال پرستان (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری های محلی در میان روستانشینان شهرستان دنا در فاصله سالهای ۱۳۸۷ - ۱۳۸۲» به این نتیجه رسیده است که کنترل اجتماعی یا نهادی، تعصبات سیاسی - انتخاباتی، چند همسری (تعدد زوجات)، ناکامی به ثمر نرسیدن ازدواج های تحمیلی، بیکاری و فقر فرهنگی در وقوع نزاع های جمعی تأثیرگذار بوده اند.

مبانی و چارچوب نظری

اعتماد اجتماعی یکی از مؤلفه های اساسی سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیررسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می شود. هنجارهای تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی می توانند از هنجار روابط متقابل دو دوست گرفته تا آموزه های پیچیده ای را در بر گیرند، که به طور مشروح در نظریات بیان گردیده اند.

اعتماد به عنوان یکی از مؤلفه های اساسی سرمایه اجتماعی، انتظام اجتماعی ایجاد می کند و موجب انسجام و تعاون اجتماعی می شود و لذا بر کاهش جرایم و تقویت تعاون و همکاری اجتماعی اثرات مثبت دارد. علاوه بر این، استفاده رایگان از منابع و منافع جمعی را تسهیل می کند، تعاملات اجتماعی را تنظیم می کند و روابط اجتماعی را روان و بی اشکال می سازد. بر این اساس، پس زمینه مسکوت^۱ تعاملات اجتماعی، اعتماد است. فایده اجتماعی دیگر اعتماد، اهمیت آن در شکل دهی به نهادها و سازمان های داوطلبانه و کمک به ایجاد و تداوم آنهاست. این سازمان ها که به نهادهای غیرحکومتی معروفند و عرصه جامعه مدنی را پوشش می دهند، در بسط و تقویت دمکراسی و ارزش های

Archive of SID

دموکراتیک اهمیت زیادی دارند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۳۵-۳۴)، که در نتیجه بسط ارزش‌های دموکراتیک در جامعه آنگونه که الکساندر^۱ بیان می‌کند، افراد نیز قادر به ایجاد روابط اجتماعی باز، مبتنی بر اعتماد، احترام و وجدان نسبت به اعضای اجتماعات و گروه‌های دیگر می‌شوند (Alexander, ۲۰۰۱: ۱۹۶).

فوکویاما^۲ معتقد است یک راه پرداختن به مسأله سرمایه اجتماعی، وارد شدن از طریق مفهوم شعاع اعتماد^۳ است. همه گروه‌هایی که مظهر سرمایه اجتماعی اند دارای نوعی شعاع اعتمادند و به دیگر معنا حلقه‌ای از کسان در هر گروه موجود است، که هنجار همکاری در میان آنها عمل می‌کند. اگر سرمایه اجتماعی گروه، آثار خارجی مثبت تولید کند، شعاع اعتماد حتی می‌تواند از خود گروه فراتر رود. همچنین ممکن است که شعاع اعتماد کوچک‌تر از آن باشد که همه اعضای گروه را شامل شود، یک جامعه مدرن را می‌توان همچون مجموعه‌ای از شعاع‌های اعتماد متحدالمرکز با لایه‌های روی هم قرار گرفته به تصویر درآورد (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۷۲) وی همچنین بر این باور است که؛ اصولاً در اشکال گروه‌های فرهنگی - اجتماعی، نظیر قبایل و عشایر و مجامع روستایی و کمتر توسعه یافته بر هنجارهای مشترک مبتنی اند و از این هنجارها برای تحقق اهداف مشترک استفاده می‌کنند. به نظر فوکویاما در چنین گروه‌هایی شعاع اعتماد ناچیز است. همبستگی درون گروهی از قابلیت اعضای گروه برای همکاری با افراد بیرون از گروه می‌کاهد، و اغلب آثار خارجی منفی را بر افراد بیرونی تحمیل می‌کند (همان: ۱۷۳). وی، اذعان می‌دارد برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در جامعه راه‌های گوناگونی وجود دارد، یکی از این راه‌ها سنجش میزان آسیب‌های اجتماعی در آن جامعه می‌باشد. به این ترتیب که هرچه سرمایه اجتماعی در جامعه بالا باشد، آمار انواع آسیب‌های اجتماعی در آن جامعه کاهش خواهد داشت (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۹).

زیمل، جامعه‌شناس آلمانی معتقد است که بدون وجود اعتماد در بین افراد جامعه آن جامعه فرو می‌پاشد چرا که بسیاری از روابط میان آدمیان، بر عدم قطعیت بین آنها استوار است. به باور زیمل، تعاملات انسانی، بیش از دلایل عقلانی و ملاحظات شخصی،

1- Alexander, J.

2- Fukuyama

3- Radius of trust

از طریق اعتماد استمرار می یابد (Simmel، ۲۰۰۴: ۱۷۸).

بنا به تعریف گیدنز، «اعتماد اجتماعی در واقع عامل اساسی در احساس آرامش جسمانی و روانی و در نهایت امنیت اجتماعی در شرایط عادی زندگی روزمره است و علت اینکه ما اغلب در فعالیت‌های جاری خود کمتر از آنچه واقعاً هستیم، احساس ضعف و ناتوانی می‌کنیم به دلیل عدم وجود اعتماد بنیادین، در حالت کلان و عدم وجود اعتماد اجتماعی می‌باشد.» گیدنز جوّ دارای اعتماد را با اصطلاح «پله حفاظتی» می‌آورد که در حقیقت، نوعی پوشش اطمینان بخش است که به حفظ و تداوم محیط پیرامونی کمک می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۸۱-۱۸۲) اعتماد در دیدگاه وی نه کیفیتی کلی و وجهی از همبستگی اجتماعی، بلکه شیوه ضروری و اجتناب ناپذیر حیات اجتماعی بشمار می‌رود. از نظر گیدنز، اعتماد در نظام‌های ماقبل مدرنیته متأخر از نوع پایبندی‌های چهره‌دار و مبتنی بر هم‌حضور است، حال آنکه در مدرنیته متأخر اعتماد غیرشخصی و به دیگران ناشناس یا به عبارت دیگر بی‌توجهی مدنی جنبه بنیادی روابط اعتماد بین افرادی است که از ماهیت رشد یابنده نظام‌های انتزاعی ریشه گرفته‌اند. در این شرایط جلب اعتماد به جای حفظ اعتماد در نظام‌های گذشته اهمیت اساسی می‌یابد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۹۵). اوفه^۲ اعتماد را در ارتباط با ترجیحات و تمایلات رفتاری دیگران جهت پرهیز از اقدامات خصمانه که به افراد جامعه آسیب می‌رساند، بیان می‌کند. وی بر این باور است که: اعتماد به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. این باور بر مبنای این احتمال است که گروه‌های بخصوصی از دیگران کارهای بخصوصی را انجام می‌دهند یا از انجام کارهای بخصوصی پرهیز می‌کنند که در هر صورت بر رفاه دیگران یا بر رفاه یک جمع اثر می‌گذارد. اعتماد به معنای این باور است که دیگران، با اقدام یا خودداری از اقدام خود به رفاه من/ ما کمک می‌کنند و از آسیب زدن به من/ ما خودداری می‌کنند (اوفه، ۱۳۸۵: ۲۱۲). به نظر نیوتن، اعتماد بقای روابط اجتماعی پایدار و صلح‌آمیز را که بنیاد رفتار جمعی و همکاری مفید است را ممکن می‌سازد. گرچه اعتماد، متضمن مخاطره است، اما تبدیل وضع طبیعی هابزی

1- Giddens, A.

2- Offe

Archive of SID

را که بسی نامطلوب و نامطبوع است به وضعیتی مطلوب تر، کارآمدتر و صلح آمیزتر ممکن می‌سازد. زندگی اجتماعی بدون وجود اعتماد در بین شهروندان غیر قابل تحمل و حتی ناممکن است (Newton، ۲۰۰۳: ۲۰۲).

الکساندر، اعتماد را در چارچوب بحث خود در مورد جامعه مدنی مطرح می‌کند. به نظر وی جامعه مدنی قلمرو یا خرده نظامی از جامعه است که به لحاظ تحلیلی و تا حدی تجربی، از حوزه‌های زندگی اقتصادی، مذهبی و سیاسی جدا می‌باشد. وی از موضوعی دفاع می‌کند که در آن جامعه بر اساس مفاهیم اخلاقی، تعریف می‌شود (Alexander، ۲۰۰۱: ۱۹۶). الکساندر گفتمان دو سویه جامعه مدنی را در سه سطح پیشنهاد می‌دهد: انگیزه‌ها، روابط، و نهادها. ابتدا در ارتباط با انگیزه‌ها، کدها و کدهای متقابل (ضد کدها) را در نظر می‌گیرد که طبیعت بشر را در موقعیت‌های صد در صد متقابل فرض می‌کند. به نظر الکساندر بر اساس این ضابطه‌های متضاد مربوط به انگیزه‌های بشری، باز نمودهای متفاوتی از روابط اجتماعی، ساخته می‌شود. افراد با انگیزه‌های دموکراتیک، قادر به ایجاد روابط اجتماعی باز و نه سری هستند. آن‌ها روابط اعتماد آمیز برقرار می‌کنند و بدگمان نیستند؛ درست کار و صریح‌اند نه محاسبه‌گر و صادق‌اند نه فریبکار. تصمیمات آن‌ها مبتنی بر تبادل نظر و بحث باز است و نه بر اساس تباری، جهت‌گیری آن‌ها نسبت به قدرت، انتقادی است نه از روی تسلیم. نسبت به اعضای اجتماعات دیگر، رفتاری مبتنی بر احترام و وجدان دارند. نه طمع و خودخواهی و شهروندان را دوست می‌پندارند نه دشمن. در مقابل کنش‌گران غیرعقلانی، وابسته، منفعل، هیجان زده و غیر واقع‌گرا، روابط‌شان از نوعی دیگر است. به جای برقراری روابط اعتماد آمیز و باز، آن‌ها جوامع سری را بوجود می‌آورند که مبتنی بر بدگمانی است. نسبت به افراد خارج از گروه خود، با طمع و خودخواهانه برخورد می‌کنند و آن‌ها را دشمن می‌پندارند. آن‌ها حساب‌گر هستند و حيله‌گر. این وجه نفی گفتمان، بیان‌گر ساختاری است که در آن احترام متقابل و یکپارچگی، در هم شکسته است (Ibid، ۱۹۶).

هاردن^۱ اعتقاد دارد که؛ ضمانت‌های اجرایی اجتماعی، متشکل از هنجارها، قوانین و... که در واقع، مجموعاً حول یک محور اصلی، یعنی سرمایه‌های اجتماعی، گرد

آمده‌اند و این عامل به منزله متضمن و ضمانت اصلی در فرایند یک نظام ارتباطی است که در آن، اعتماد اجتماعی به صورت واقعی وجود دارد و نبود یا فرسایش سرمایه‌های اجتماعی باعث از بین رفتن این شبکه روابط اجتماعی و در نتیجه، بوجود آمدن عدم احساس اعتماد اجتماعی، می‌شود که از نتایج آن، کاهش همبستگی، وفاق، تعهدات اجتماعی، افزایش آنومی و آسیب‌های اجتماعی بسیار بغرنج است که عواقب حاصل از آن، جبران ناپذیر خواهد بود، چون این پروسه و فرایند در طول یک زمان طولانی بوجود می‌آید و فرایند شکل‌گیری آن نیز زمان و هزینه‌های بسیار هنگفتی را در بر خواهد گرفت (Hardian ۱۹۹۷:۲۰ به نقل از قدیمی، ۱۳۸۶: ۳۳۵). پارسونز^۱ اعتماد را عامل ایجاد اتحاد، انسجام اجتماعی، ثبات و نظم می‌داند. به عقیده وی اعتماد، این باور را در فرد ایجاد می‌کند که دیگران به منظور دستیابی به یک موقعیت گروهی، از منافع شخصی دست می‌کشند. اعتماد در واقع این انتظارات را موجب می‌شود که دیگران به تعهدات و مسئولیت‌هایشان عمل کنند و موقعیت دیگران را درک نمایند (انعام، ۱۳۸۰: ۲۵). نگاه مور^۲ به اعتماد با مفهوم تضاد و خصومت گره خورده است. او با رویکردی روانشناختی به این دو مفهوم می‌نگرد و به دنبال این است که درباب چگونه می‌توان اعتماد را جایگزین تضاد کرد. به باور او تضاد بین گروه‌ها نتیجه پنج عامل کلی است که ماهیتی روانشناختی دارد:

- ۱- وجود احساسات منفی در بین گروه‌ها؛
- ۲- وجود تصورات قالبی آن‌ها نسبت به هم؛
- ۳- عدم اطمینان به یکدیگر؛
- ۴- عدم مشروعیت افراد و نیازهای آنان؛
- ۵- فقدان ارتباطات.

مور معتقد است که تنها در صورتی می‌توان اعتماد را جایگزین تضاد کرد که این موانع وجود نداشته باشد (مور؛ ۱۹۸۹: ۱۲۵-۱۲۴ به نقل از علی‌پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۲). پاتنام معتقد است اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده و حاصل

1- Parsons, T.

2- Moore, Ch.

Archive of SID

پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود؛ اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیرشخصی یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۳۴). پاتنام در بحث از اعتماد با توجه به شعاع اعتماد به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی اشاره دارد و نوع دوم را که در ادبیات سرمایه اجتماعی بعضاً اعتماد تعمیم‌یافته نیز نامیده می‌شود، برای جامعه سودمندتر می‌داند. به نظر وی، این نوع اعتماد «شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصاً می‌شناسیم فراتر می‌برد و همکاری گسترده‌تر در سطح جامعه را موجب می‌گردد» (همان: ۱۳۶). پاتنام افزایش مشارکت‌های مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی را از سازوکارهای تبدیل اعتماد شخصی یا خاص به اعتماد اجتماعی یا تعمیم‌یافته معرفی می‌کند. از نظر پاتنام، اعتماد اجتماعی به همان اندازه که یک نگرش شخصی است، یک دارایی ضروری نظام اجتماعی نیز به شمار می‌رود (همان: ۱۳۷). اعتماد اجتماعی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه اجتماعی و گسترش مدرنیته است. ویژگی‌های تاریخی و اجتماعی جامعه مورد بررسی و نیز وجود خرده‌فرهنگ‌های قبیله‌ای و طایفه‌ای که از جمله نتایج آن خاص‌گرایی و کاهش اعتماد اجتماعی به غریبه‌ها و نهادهای مدنی می‌باشد و در نتیجه کنش‌ها و تعاملات روزمره میان افراد را سخت و همراه با بدگمانی و سوء ظن می‌نماید و افراد را به سمت کنش‌های معطوف به گروه و تبار خویشاوندی سوق می‌دهد، بر میزان گرایش به نزاع‌های جمعی تأثیرگذار می‌باشند. این تنوع طایفه‌ای، ضمن ابقای نگرش خاص‌گرایانه در افراد در شرایط فقدان برنامه‌ریزی منسجم اجتماعی، افزون بر تشدید رقابت‌های بین قبیله‌ای و بین گروهی متأثر از خاص‌گرایی و ایجاد فاصله اجتماعی میان گروه‌ها، به تضعیف روابط جمعی میان افراد گروه و ایجاد درگیری میان آن‌ها می‌گردد.

به طور کلی پیش‌فرض اساسی نظریات مطرح شده در ارتباط با اعتماد اجتماعی بر این اساس می‌باشد که افزایش اعتماد اجتماعی به ویژه نوع ضروری آن برای جوامع امروزی - اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی - عاملی اساسی در رسیدن به نظم اجتماعی می‌باشد، که در نتیجه رسیدن به این مهم آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد، علاوه بر این افرادی که روابط اعتماد‌آمیز برقرار می‌کنند، تمایل بیشتری در جهت رسیدن به نفع

جمعی و پرهیز از آسیب رساندن به دیگر افراد اجتماع و در نتیجه ایجاد آسیب اجتماعی دارند. به این معنی که این روابط و کیفیت آن به کاهش آسیب‌هایی چون نزاع جمعی می‌انجامد، در این میان متغیرهای دیگری مانند سن و پایگاه اقتصادی - اجتماعی نیز مؤثرند؛ بر این اساس طبق مبانی نظری مطرح شده در ارتباط با اعتماد اجتماعی، این فرض مطرح می‌شود که هر چقدر اعتماد اجتماعی در جامعه بالاتر باشد، آسیب‌های اجتماعی چون نزاع جمعی کاهش می‌یابد. بر اساس نظریات مطرح شده، در این پژوهش دو بعد اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و اعتماد نهادی مورد استفاده قرار گرفته است.

یکی از ویژگی‌های نظام ایلی و اجتماعات با ساختار طایفه‌ای^۱ و عشیره‌ای معمولاً خویشاوندگرایی و در اصطلاح کلی تر قوم‌مداری^۲ است. خویشاوندگرایی و احساس تعلق به گروهی خاص و تحصیل امنیت فردی از طریق وابستگی به یک قوم ویژه، عواقب اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی امنیتی فراوانی دارد. در چارچوب یک ایل آنچه ایجاد تعهد، مسئولیت، و حتی وظیفه می‌کند و کنش‌های جمعی را شکل می‌دهد، رابطه خویشاوندی است. اعضای که با یکدیگر احساس خویشاوندی می‌کنند، به دفاع یا حمایت از یکدیگر بر می‌خیزند و دشواری‌های فردی خود یا دیگر اعضای طایفه را مشکلات خود و خانواده خود می‌پندارند. به همین دلیل، هرگونه حمله، محدودیت یا خسارت به فرد، خسارت و یا محدودیت به خانواده و طایفه تلقی می‌شود. در نتیجه مبنای قضاوت استدلال نیست؛ تجزیه و تحلیل منافع کل سرزمین (مثلاً یک شهر) نیست، بلکه صحت، حق و نوع برخورد بر مبنای خویشاوندی تعیین می‌شود (سریع‌القلم، ۱۳۸۶: ۵۸-۵۷) به عبارتی، در این نوع ساختار عشیره‌ای نظام پشتیبانی خانوادگی یکی از مهم‌ترین عناصر در زندگی بیشتر افراد به شمار می‌آید. چشمداشت‌های یاری متقابل و مسئولیت مشترک اجتماعی و حقوقی همگی تحت تأثیر پیوندهای خویشاوندی شکل می‌گیرد. من علیه برادرم؛ من و برادرانم علیه عموزاده‌هایم؛ من و برادران و عموزاده‌هایم علیه دیگران (بیتس و پلاگک، ۱۳۸۷: ۲۶۰). از آنجایی که ساختار جامعه مورد مطالعه متشکل از طوایف مختلف می‌باشد و هنوز افراد هویت خود را بر اساس همان طایفه و گروهی

1- Clan/Stock

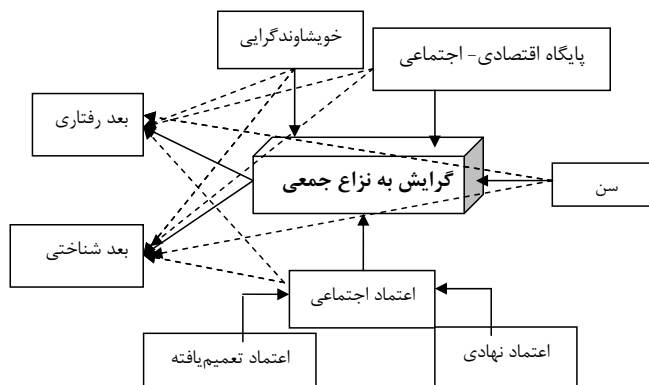
2- Ethnocentrism

Archive of SID

که به آن تعلق دارند می‌شناسند، پیامدهای منفی می‌تواند ایجاد نماید، چرا که در نتیجه این نوع ساختار عشیره‌ای، کنش‌های افراد نه بر اساس عقلانیت، بلکه بر مبنای تعصبات غیرمنطقی نسبت به اعضای خانواده، فامیل و طایفه صورت می‌گیرد؛ در نتیجه تصمیم‌گیری بر مبنای تعصب در میان افراد نهادینه می‌شود چرا که افراد به این شکل جامعه‌پذیر شده‌اند؛ در نهایت با بروز یک اختلاف کوتاه میان دو فرد یا دو خانواده اطرافیان نیز به حمایت نزدیکان خود برخاسته و نزاع‌های جمعی اتفاق می‌افتد. باید اشاره نمود در اینجا منظور از میزان خویشاوندگرایی همان میزان گرایش یک فرد به مؤلفه‌های طایفه و خویشاوندان خود می‌باشد.

مدل نظری پژوهش

بر اساس نظریات بیان شده مدل نظری پژوهش و فرضیات منتج از آن به شرح زیر می‌باشد.



فرضیات تحقیق

(۱) بین میزان اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و میزان گرایش به نزاع جمعی رابطه معنادار وجود دارد.

(۲) بین میزان اعتماد نهادی و میزان گرایش به نزاع جمعی رابطه معنادار وجود دارد.

(۳) بین میزان اعتماد اجتماعی (کل) و میزان گرایش به نزاع جمعی رابطه معنادار وجود

دارد.

۴) بین میزان خویشاوندگرایی و میزان گرایش به نزاع جمعی رابطه معنادار وجود دارد.

۵) بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد و میزان گرایش به نزاع جمعی رابطه معنادار وجود

دارد.

۶) بین سن و میزان گرایش به نزاع جمعی رابطه معنادار وجود دارد.

روش شناسی

• روش تحقیق

پژوهش کنونی از نوع توصیفی- تحلیلی بوده که روش پیمایش در آن مورد استفاده قرار گرفته است.

• جمعیت آماری

در تحقیق حاضر جامعه آماری کلیه مردان ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن در شهرستان بویراحمد می باشد که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان بویراحمد (۱۳۸۵)، جمعیتی بالغ بر ۷۴۲۵۶ نفر را شامل می شود. با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران و تعیین،

$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} = \frac{1}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

p برابر با ۰/۵ و q برابر با ۰/۵، فاصله اطمینان (t) برابر با ۱/۹۶ و میزان خطای قابل قبول (d) برابر با ۰/۰۵، اندازه نمونه ۳۸۵ به دست آمد. اما جهت سطح اطمینان بیشتر نتایج تحقیق تا ۳۹۵ نفر ارتقا یافت.

• روش نمونه گیری

نمونه گیری این پژوهش به صورت تصادفی از نوع چند مرحله ای طبقه ای منظم می باشد. ابتدا محلات مختلف شهر (از نظر پایگاه اجتماعی و اقتصادی ساکنان) از طریق مراجعه به شهرداری و با استفاده از نقشه مناطق دوازده گانه و همچنین روستاهای مختلف با مراجعه

Archive of SID

به استناداری شناسایی گردید. از نظر شاخص اقتصادی و اجتماعی سه منطقه پایین، متوسط و بالا بدین منظور مشخص و برای هر کدام به تناسب حجم جامعه آماری سهمیه‌ای تعیین شد. برای مراجعه به درب منازل از نقشه‌های مربوط به این تقسیم‌بندی استفاده شد. از هر منطقه شهر یاسوج چند حوزه به صورت تصادفی مشخص گردید و سپس از هر حوزه یک یا چند بلوک به صورت تصادفی انتخاب شد. برای مشخص کردن افراد نمونه فرم فهرست برداری از مکان‌ها و خانوارها تکمیل گردید و پس از انتخاب افراد نمونه، پرسشنامه مورد نظر از طریق مصاحبه حضوری با آن‌ها تکمیل شد.

تعریف متغیرهای پژوهش

• نزاع

نزاع به عنوان یک آسیب اجتماعی، عمدتاً ناظر به پدیده درگیری میان حداقل دو نفر است و تعریف اصطلاحاتی آن عبارت است از کنش جمعی دو یا چند نفر که به قصد آسیب رساندن به انسان دیگری صورت می‌گیرد. این آسیب ممکن است جسمی یا روحی، فردی یا جمعی و جانی یا مالی باشد. بنابراین، نزاع انواع و گونه‌های مختلفی پیدا می‌کند. از نظر کنش گرانی که درگیر در واقعه هستند، نزاع شامل دو نوع فردی یا گروهی است. در نوع اول در هر طرف نزاع یک نفر قرار دارد؛ به عبارت دیگر، درگیری یک نفر با نفر دوم دیگر به یک منازعه منجر می‌گردد، اما در حالت دوم یک فرد با گروه و در حالت سوم یک گروه با گروه دیگر درگیر می‌شوند. به حالت اول نزاع فردی و حالت دوم و سوم نزاع گروهی یا جمعی گفته می‌شود. البته بسیاری از نزاع‌های گروهی، محصول گسترش نزاع فردی میان دو نفرند که با حضور و شرکت دیگران تبدیل به منازعه گروهی می‌شود (خراط‌ها، ۱۳۸۵: ۱۰ به نقل از هاشمی، ۱۳۸۷: ۳۱).

• گرایش

در تعریف اصطلاح «گرایش» آلپورت^۲ پس از بازنگری ۱۶ تعریف گرایش، چنین

1- Tendency

2- Allport

می‌گویند که گرایش، حالتی از آمادگی ذهنی و عصبی است که از رهگذر تجربه سامان می‌یابد و بر پاسخ فرد نسبت به اشیاء و موقعیت‌هایی که با آن مربوطند، نفوذی هدایت‌کننده یا پویا اعمال می‌کند (آلپورت به نقل از شکرکن، ۱۳۶۶: ۱۸).

به طور کلی عمده سنت‌های گرایش، آن را نظامی با دوام در نظر می‌گیرند که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک تمایل به عمل می‌باشد (کریمی، ۱۳۸۲: ۲۲۴). «عنصر یا بخش شناختی شامل باورها، ادراک‌ها و مجموعه آگاهی‌ها نسبت به یک پدیده می‌باشد. بخش احساسی مربوط به احساس‌هایی است که افراد گوناگون را بر می‌انگیزد و احساس خوشایند، محبت‌آمیز یا تنفر را نسبت به یک شیء، فردی ویژه، گروه و مانند آن در فرد بوجود می‌آورد و بخش تمایل به عمل، آمادگی برای عمل یا رفتار نسبت به آن موضوع است (احمدی، ۱۳۸۲: ۷۲).

• اعتماد اجتماعی

میزتال^۱ اعتماد را باور به خوب و مناسب بودن پیامدهای کنش دلخواه فرد دیگر برای ما از دیدگاه خودمان می‌داند. لومان اعتماد را معادل کاهش پیچیدگی ذهنی و عدم قطعیت می‌داند. کاهش پیچیدگی سازوکاری است که موجب سازگاری افراد با شرایط پیچیده و نامطمئنی می‌شود که به طور فزاینده در جوامع مدرن با آن مواجه می‌شوند. به نظر کوک نیز اعتماد ریشه در عدم قطعیت دارد اما او استدلال می‌کند که اعتماد را باید به عنوان دانش یا باور تعریف کرد نه کنش. اما هاردین استدلال می‌کند که آنچه اعتماد را شکل می‌دهد، بروز آن در قلمرو کنش است. ولش و دیگران تحلیل اعتماد را منوط به ارزیابی پیچیدگی موقعیت و یا ویژگی‌های شخصی می‌دانند که باید مورد اعتماد قرار بگیرد. به نظر آن‌ها از آنجا که اعتماد در شرایط عدم قطعیت و موقعیت‌های پیچیده عمل می‌کند، معمولاً معادل ساده لوحی تلقی می‌شود به طوری که افراد با اعتماد، خوش‌باور توصیف می‌شوند (Welch et. al، ۲۰۰۵: ۴۵۴).

1- Misztal, B.

Archive of SID

از دیدگاه جامعه شناختی دست کم سه شکل از اعتماد مشتمل بر اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی قابل تشخیص است:

الف) اعتماد بین شخصی: «اعتماد بین شخصی» بر اساس روابط مستقیم و چهره به چهره شناخته می شود و مبتنی بر روابط بین فردی است. اعتماد بین شخصی در ارتباط با تعامل و روابط میان اعضای خانواده، دوستان و همکاران و دیگر موارد مشابه تجلی پیدا می کند (غفاری، ۱۳۸۳: ۱۳ به نقل از علی پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

ب) اعتماد تعمیم یافته: این نوع از اعتماد را می توان حسن ظن داشتن نسبت به افراد جامعه جدای از تعلق آنها به گروه های قومی و قبیله ای تعریف کرد. بنابراین اعتماد مزبور تنها به روابط چهره به چهره محدود نمی شود. این نوع از اعتماد مرزهای خانوادگی، همسایگی، محلی و قومیتی را زیر پا می گذارد و این نوع اعتماد لازمه همکاری و مشارکت و ایجاد همبستگی میان شهروندانی است که جوامع امروزی را تشکیل می دهند (امیر کافی، ۱۳۷۴: ۹ به نقل از علی پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

ج) اعتماد نهادی: «اعتماد نهادی» دلالت دارد بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی که مردم به نهادها دارند. به تعبیر دوگان، انعکاس فقدان اعتماد به نهادها در اغلب موارد نتیجه بی اعتمادی به افرادی است که عهده دار امور آن نهادهایند (دوگان، ۱۳۷۴: ۱۰ به نقل از علی پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۶). در این پژوهش از دو نوع اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی استفاده گردیده است.

• پایگاه اقتصادی - اجتماعی

پایگاه اقتصادی - اجتماعی که یکی از مفاهیم اساسی جامعه شناسی محسوب می شود، عبارت است از موقعیت اجتماعی و جایگاهی که فرد در گروه یا در مرتبه اجتماعی یک گروه، در مقایسه با گروه های دیگر احراز می کند. پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد حقوق و مزایای شخص را تعیین می کند (کوئن، ۱۳۷۶: ۸۳).

شاخص های زیادی همچون تحصیلات، شغل، درآمد و قدرت برای سنجش پایگاه اجتماعی افراد وجود دارد. در این تحقیق برای سنجش پایگاه اقتصادی - اجتماعی

افراد از شاخص‌های تحصیلات، شغل، درآمد و تعداد اعضای خانوار جهت ارتباط آن با درآمد خانوارها استفاده شده است.

اعتبار^۱ و روایی^۲ ابزار تحقیق

جهت تعیین اعتبار هریک از مقیاس‌ها از روش اعتبار سازه^۳ به کمک تکنیک تحلیل عاملی، استفاده گردید و پایایی هر یک از عامل‌ها و مقیاس‌ها نیز به روش آلفای کرونباخ، مورد سنجش قرار گرفت، جهت سنجش متغیر وابسته تحقیق (گرایش به نزاع جمعی) از ۱۳ سؤال استفاده شد، و با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی به دو عامل گرایش به نزاع جمعی در دو بعد رفتاری و شناختی تبدیل گردید و هیچکدام از سؤالات نیز حذف نگردید.

سؤالات مربوط به سازه اعتماد اجتماعی نیز بدون حذف به دو بعد اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی تقسیم گردید. که نتایج در جدول شماره ۱ منعکس شده است. بر اساس نتایج بدست آمده، آماره آزمون KMO^۴ برای سازه گرایش به نزاع جمعی (۰/۸۹۴) و اعتماد اجتماعی (۰/۷۵۵) به دست آمده است که بیانگر کفایت اندازه نمونه است. به علاوه، شاخص مجذور کای برای آزمون کرویت بارتلت^۵، جهت کلیه سازه‌ها (P<۰/۰۰۱) است، که به لحاظ آماری معنادار است و نشان می‌دهد بین متغیرها همبستگی وجود دارد. تحلیل عاملی مور نظر از نوع تأییدی بوده است و نتایج تحلیل بیانگر آن هستند که میزان واریانس تبیین شده در سازه گرایش به نزاع جمعی (۴۴/۹۸) و در اعتماد اجتماعی (۳۵/۶۶) است. پایایی هر یک از عوامل نیز محاسبه شده که مقادیر آن‌ها نشان می‌دهد مقیاس‌های طراحی شده از سازگاری درونی قابل قبولی برخوردار بوده‌اند.

- 1- Validity
- 2- Reliability
- 3- Construct Validity
- 4- Kaiser-Meyer-Oklin Measure of sampling adequacy
- 5- Bartlett's test of sphericity

| ضریب آلفا | kmo | واریانس | مقدار ویژه | عامل‌ها | | مغایب به نزاع دسته جمعی |
|---|-------|---------|---|--------------------|--------|--|
| | | | | وزن عاملی | | |
| | | | | شناختی | رفتاری | |
| ۰/۸۴ | ۰/۸۹۴ | ۳۵/۵۹ | ۴/۶ | | ۰/۷۵۵ | اگر در ارتباط با مسائل مالی، ملکی و یا زراعی با کسی اختلاف داشته باشید و احساس کنید طرف مقابل نخواهد حق شما را توضیح کند، چقدر احتمال دارد به نزاع بپردازید؟ |
| | | | | | ۰/۷۳۹ | در صورتی که کسی به شما یا فامیل و خانواده شما توهین کند، چقدر احتمال دارد دیگران را به نزاع جمعی تحریک کنید؟ |
| | | | | | ۰/۷۳۸ | اگر در انتخابات مجلس، شورای شهر و... حق طایفه و بستگان شما ضایع شود چقدر احتمال دارد به نزاع بپردازید؟ |
| | | | | | ۰/۶۰۲ | اگر پای مسأله ناموسی در میان باشد، میزان انگیزه شما برای نزاع دسته جمعی در این مورد تا چه حدی است؟ |
| | | ۰/۵۷۳ | در صورت غیر مقصر بودن اقوام نزدیکان در درگیری‌ها، چقدر احتمال دارد در درگیری به او کمک کنید؟ | | | |
| | | ۰/۷۱۰ | در صورت بی احترامی به اجداد و ریش سفیدان فامیل، نباید ساکت بود. | | | |
| | | ۰/۶۸۳ | اگر به یکی از خویشاوندان نزدیکم (برادر، پدر، عمودایی و...) اهانت شود و من عکس العملی نشان ندهم نوعی بی غیرتی به حساب می آید. | | | |
| | | ۰/۶۰۰ | اگر یک نفر از طایفه دیگر قصد ازدواج با دختر ما را داشته باشد، اما طرف مقابل بدون دلیل رها کند به سادگی نباید از او گذشت. | | | |
| | | ۰/۵۴۹ | اگر پای مسأله ناموسی در میان باشد، حتی اگر درگیری جمعی رخ دهد، می بایست از آبروی خود دفاع کرد. | | | |
| | | ۰/۴۹۹ | اگر کسی بخواهد در موضوعات مورد اختلاف زور بگوید، می بایست با کمک گرفتن از دوستان و بستگان با او مقابله کرد. | | | |
| | | ۰/۴۸۱ | وقتی دیگران طعمه هایی می زنند که حیثیت خود و بستگان زیر سوال می رود، آدم نمی تواند ساکت بماند و به هر شکلی باید با آنها برخورد کرد. | | | |
| | | ۰/۴۴۲ | وقتی بزرگترها مصلحت را بر درگیری با طایفه یا گروه دیگری می دانند، بهتر است بر اساس نظر آنها عمل شود. | | | |
| | | ۰/۴۱۰ | وقتی پای آبروی آدم در میان است، دیگر قانون نمی تواند کاری کند و باید خود دست به مقابله زد. | | | |
| | | | اعتماد اجتماعی | اعتماد تعمیم یافته | | |
| ۰/۷ | ۰/۷۵۵ | ۲۲/۷۱ | ۲/۹۳ | | ۰/۷۲۸ | این روزها به سختی می توان کسی را پیدا کرد که واقعاً بتوان به او اعتماد کرد. |
| | | | | | ۰/۷۲۸ | وقتی که خوب فکر می کنیم، می بینیم که در جامعه ما کسانی را که می توان به آنها اعتماد کرد؛ انگشت شمارند. |
| | | | | | ۰/۵۸۵ | در جامعه ما اکثر مردم قابل اعتمادند. |
| | | | | | ۰/۵۰۷ | اکثر مردم در معامله با دیگران درستکار و بی ریا هستند. |
| | | ۰/۴۸۱ | خیلی از مردم جامعه ما فقط در فکر خویش اند و واقعاً به جز خود به هیچ کسی اهمیت نمی دهند. | | | |
| | | ۰/۴۳۰ | در جامعه ما عموماً می توان به غریبه ها اعتماد کرد. | | | |
| | | ۰/۷۴۱ | مأموران نیروی انتظامی | | | |
| | | ۰/۷۱۶ | قضات | | | |
| | | ۰/۶۸۵ | وکلا دادگستری | | | |
| | | ۰/۵۴۳ | فروشنده گان | | | |
| | | ۰/۴۴۷ | راننده گان تاکسی | | | |
| | | ۰/۴۴۶ | پرستاران بیمارستان | | | |
| | | ۰/۳۶۹ | کارمندان ادارات | | | |
| | | ۰/۸۶ | | | | |
| به نظر می آید هر چقدر طایفه و خویشاوند بزرگتری داشته باشیم، احترام و اعتبار بیشتری خواهیم داشت. | | | | | | |
| آدم باید در درجه نخست و بیش از دیگران به اعضای فامیل خود در کار و مشکلات کمک کند. | | | | | | |
| آدم باید بیشتر با قوم و خویش خودش ارتباط داشته باشد تا با دیگران. | | | | | | |
| قوم و خویش آدم است که روز میادا به داد آدم می رسد. | | | | | | |
| به نظرم زن گرفتن از غریبه ها و دختر دادن به غریبه ها کار دشواری است. | | | | | | |
| به طایفه خودم افتخار می کنم. | | | | | | |
| داشتن بستگان و خویشاوندان در ادارات باعث احترام و عزت آدم است. | | | | | | |
| به نظرم هر کسی باید بیشتر هوای اقوام و فامیل خود را داشته باشد. | | | | | | |

یافته‌های توصیفی

بر اساس نتایج به دست آمده، از مجموع ۳۹۵ نفر پاسخگوی مرد، حداقل سن پاسخگویان ۱۵ و حداکثر ۶۵ و میانگین سنی ۳۰/۲۹ سال بوده است. به لحاظ محل سکونت نیز ۵۲/۹ درصد (۲۰۹ نفر) از پاسخگویان ساکن شهر و ۴۷/۱ درصد (۱۸۶ نفر) ساکن روستا می باشند.

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان متغیرهای مورد سنجش در تحقیق

آنچنان که داده‌های جدول نشان می دهد در بعد رفتاری گرایش به نزاع جمعی (متغیر وابسته) ۳۰/۱ درصد افراد دارای گرایش پایین، ۴۲/۱ درصد دارای گرایش متوسط و ۲۷/۸ دارای گرایش بالا می باشند. در بعد شناختی، ۱۱/۱ درصد از افراد گرایش پایین، ۵۸/۵ درصد گرایش متوسط و ۳۰/۴ گرایش بالا جهت شرکت در نزاع‌های جمعی دارند و در گرایش به نزاع جمعی به صورت کلی، ۱۵/۴ درصد از افراد دارای گرایش پایین، ۵۸ درصد دارای گرایش متوسط و ۲۶/۶ درصد دارای گرایش بالا می باشند. داده‌ها نشانگر آن است که از کل پاسخگویان، ۲۶/۳ درصد از اعتماد پایین، ۶۳/۵ درصد از اعتماد متوسط و ۱۰/۱ درصد از اعتماد بالایی برخوردارند. در ۶/۶ درصد از افراد خویشاوندگرایی پایین، در ۵۳/۹ متوسط و در ۳۹/۵ درصد خویشاوندگرایی بالا می باشد. ۳۱/۱ از افراد در پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، ۵۸/۳ درصد در سطح متوسط و ۱۰/۶ درصد نیز از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالایی برخوردارند. دیگر نتایج مربوط به ابعاد متغیرها نیز در جدول نشان داده شده است. ذکر این نکته ضروری است که به دلیل استفاده از شیوه مصاحبه حضوری جهت گردآوری داده‌ها، در مجموع داده‌ها هیچ داده گمشده‌ای^۱ وجود نداشته است.

| مقوله متغیرها | پایین (%) | متوسط (%) | بالا (%) |
|----------------------------------|-----------|-----------|----------|
| گرایش به نزاع جمعی در بعد رفتاری | ۳۰/۱ | ۴۲/۱ | ۲۷/۸ |
| گرایش به نزاع جمعی در بعد شناختی | ۱۱/۱ | ۵۸/۵ | ۳۰/۴ |
| گرایش به نزاع جمعی (کل) | ۱۵/۴ | ۵۸ | ۲۶/۶ |
| اعتماد تعمیم یافته | ۴۸/۴ | ۴۳/۲ | ۸/۴ |
| اعتماد نهادی | ۱۶/۲ | ۷۳/۹ | ۹/۹ |
| اعتماد اجتماعی (کل) | ۲۶/۳ | ۶۳/۵ | ۱۰/۱ |
| خوبشاوندگرایی | ۶/۶ | ۵۳/۹ | ۳۹/۵ |
| پایگاه اقتصادی - اجتماعی | ۳۱/۱ | ۵۸/۳ | ۱۰/۶ |

میزان گرایش به نزاع جمعی

میانگین نمره گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد ۴۰/۶ می باشد که از میانگین واقعی که ۳۹ ($13 \times 3 = 39$) بوده است به طور معناداری بیشتر است. به بیان دیگر میانگین واقعی بر اساس شاخص سنجش ۳۹ می باشد که میانگین بدست آمده (۴۰/۶) در حد محسوسی بالاتر از میانگین واقعی است.

یافته های تحلیلی

فرضیه ۱: بین میزان اعتماد اجتماعی (تعمیم یافته، نهادی و کل) و میزان گرایش به نزاع جمعی رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج بدست آمده از انجام آزمون پیرسون بین متغیر اعتماد اجتماعی و گرایش به نزاع جمعی و همچنین ابعاد این متغیرها نشان می دهد رابطه معناداری بین این متغیرها و همچنین ابعاد آنها وجود ندارد که نتایج در جدول زیر نشان داده شده است.



جدول ۳: آزمون همبستگی پیرسون میان متغیر اعتماد اجتماعی (اعتماد تعمیم یافته، اعتماد نهایی و کل) و گرایش به نزاع جمعی (بعد رفتاری، بعد شناختی و کل)

| متغیر مستقل | متغیر وابسته | ضریب همبستگی | سطح معناداری |
|----------------------------|--------------|--------------|--------------|
| اعتماد اجتماعی تعمیم یافته | بعد رفتاری | -۰/۰۳۸ | ۰/۴۵۱ |
| | بعد شناختی | -۰/۰۶۴ | ۰/۲۰۶ |
| | کل | -۰/۰۵۸ | ۰/۲۵۰ |
| اعتماد نهادی | بعد رفتاری | ۰/۰۳۶ | ۰/۴۷۰ |
| | بعد شناختی | ۰/۰۵۹ | ۰/۲۴۱ |
| | کل | ۰/۰۵۴ | ۰/۲۸۱ |
| اعتماد اجتماعی کل | بعد رفتاری | ۰/۰۰۲ | ۰/۹۶۴ |
| | بعد شناختی | ۰/۰۰۳ | ۰/۹۶ |
| | کل | ۰/۰۰۳ | ۰/۹۵۷ |

فرضیه ۲: بین میزان خویشاوندگرایی و میزان گرایش به نزاع جمعی رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج بدست آمده از انجام آزمون پیرسون بین خویشاوندگرایی و میزان گرایش به نزاع جمعی در بعد رفتاری نشان می دهد که ضریب همبستگی بدست آمده (۰/۲۷۳) و سطح معناداری برآورد شده (۰/۰۰۰) است که نشان دهنده وجود رابطه مستقیم در سطح ۹۹٪ اطمینان می باشد؛ همچنین ضریب همبستگی بدست آمده برای خویشاوندگرایی و میزان گرایش به نزاع جمعی در بعد شناختی (۰/۴۰۴) و سطح معناداری برآورد شده (۰/۰۰۰) می باشد که نشان دهنده وجود رابطه مستقیم در سطح ۹۹٪ اطمینان می باشد.

ضریب همبستگی بدست آمده برای خویشاوندگرایی و میزان گرایش به نزاع جمعی در کل (۰/۳۸۴) و سطح معناداری برآورد شده (۰/۰۰۰) می باشد که نشان دهنده وجود رابطه مستقیم در سطح ۹۹٪ اطمینان می باشد؛ ضریب همبستگی بیانگر آن است که با افزایش خویشاوندگرایی، گرایش به نزاع جمعی (بعد شناختی، رفتاری و کل) افزایش می یابد. این آزمون با کنترل متغیرهای سن و پایگاه اقتصادی- اجتماعی که از متغیرهای درآمد، تحصیلات، شغل و تعداد اعضای خانوار ترکیب شده است، تکرار شد و مقدار ضریب همبستگی جزئی و سطح معناداری، تفاوت چندانی نکرد. این ثبات رابطه با وجود کنترل متغیرهای دیگر، نشان گر اثر بالای متغیر خویشاوندگرایی است.

| متغیر مستقل | متغیر وابسته | ضریب همبستگی | سطح معناداری |
|---------------------------------|-------------------------|--------------|--------------|
| خویشاوندگرایی | بعد رفتاری | ۰/۲۷۳ | ۰/۰۰۰ |
| | بعد شناختی | ۰/۴۰۴ | ۰/۰۰۰ |
| | کل | ۰/۳۸۴ | ۰/۰۰۰ |
| با کنترل سن | گرایش به نزاع جمعی (کل) | ۰/۴۰۹ | ۰/۰۰۰ |
| با کنترل پایگاه اقتصادی-اجتماعی | گرایش به نزاع جمعی (کل) | ۰/۳۳۵ | ۰/۰۰۰ |

فرضیه ۳: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد و میزان گرایش به نزاع جمعی رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج بدست آمده از انجام آزمون پیرسون بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان گرایش به نزاع جمعی در بعد رفتاری نشان می دهد که ضریب همبستگی بدست آمده (۳۱۸-) که بیانگر یک رابطه معکوس بین متغیر مستقل و متغیر وابسته می باشد و سطح معناداری برآورد شده (۰/۰۰۰) که نشان دهنده وجود رابطه در سطح ۹۹٪ اطمینان می باشد.

همچنین ضریب همبستگی بدست آمده برای پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان گرایش به نزاع جمعی در بعد شناختی (۲۶۵-) و سطح معناداری برآورد شده (۰/۰۰۰) می باشد، که نشان دهنده وجود رابطه معکوس در سطح ۹۹٪ اطمینان می باشد.

همچنین ضریب همبستگی بدست آمده برای پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان گرایش به نزاع جمعی در کل (۳۲۲-) و سطح معناداری برآورد شده (۰/۰۰۰) می باشد که کمتر از آلفا (۰/۰۵) می باشد که نشان می دهد رابطه معکوس و معناداری بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان گرایش به نزاع جمعی وجود دارد.

جدول ۵: آزمون همبستگی پیرسون میان متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و گرایش به نزاع جمعی (بعد رفتاری، بعد شناختی و کل)

| متغیر مستقل | متغیر وابسته | ضریب همبستگی | سطح معناداری |
|------------------------|--------------|--------------|--------------|
| پایگاه اقتصادی اجتماعی | بعد رفتاری | -۰/۳۱۸ | ۰/۰۰۰ |
| | بعد شناختی | -۰/۲۶۵ | ۰/۰۰۰ |
| | کل | -۰/۳۲۲ | ۰/۰۰۰ |

فرضیه ۴: بین سن و میزان گرایش به نزاع جمعی رابطه معنادار وجود دارد.



نتایج بدست آمده از انجام آزمون پیرسون بین سن و میزان گرایش به نزاع جمعی در بعد رفتاری نشان می دهد که ضریب همبستگی بدست آمده (۰/۲۷۸-) و سطح معناداری برآورد شده (۰/۰۰۰) می باشد که نشان دهنده وجود رابطه معکوس بین سن و میزان گرایش به نزاع جمعی در بعد رفتاری با اطمینان ۹۹٪ می باشد، همچنین ضریب همبستگی بدست آمده برای سن و میزان گرایش به نزاع در بعد شناختی (۰/۲۳۷-) و سطح معناداری برآورد شده (۰/۰۰۰) می باشد که نشان دهنده وجود رابطه در سطح ۹۹٪ اطمینان می باشد؛ همچنین ضریب همبستگی بدست آمده برای سن و میزان گرایش به نزاع در کل (۰/۲۸۴-) و سطح معناداری برآورد شده (۰/۰۰۰) که کمتر از آلفا (۰/۰۵) می باشد و نشان می دهد که رابطه معکوس معناداری بین سن و میزان گرایش به نزاع جمعی وجود دارد، به گونه ای که با افزایش سن پاسخگویان، گرایش به نزاع جمعی در سه بعد رفتاری، شناختی و کل کاهش می یابد که نتیجه آزمون با پیش فرض این تحقیق همخوان است. بنابراین، فرضیه یاد شده تأیید می گردد.

جدول ۶: آزمون همبستگی پیرسون میان متغیر سن و گرایش به نزاع جمعی (بعد رفتاری، بعد شناختی و کل)

| متغیر مستقل | متغیر وابسته | ضریب همبستگی | سطح معناداری |
|-------------|--------------|--------------|--------------|
| سن | بعد رفتاری | -۰/۲۷۸ | ۰/۰۰۰ |
| | شناختی | -۰/۲۳۷ | ۰/۰۰۰ |
| | کل | -۰/۲۸۴ | ۰/۰۰۰ |

تبیین گرایش به نزاع جمعی بر حسب مجموع متغیرهای مستقل

به منظور بررسی رابطه مجموع متغیرهای مستقل با گرایش به نزاع جمعی و تعیین این که متغیرهای مستقل در مجموع تا چه اندازه قادر به تبیین گرایش به نزاع جمعی هستند و کدام یک از آن ها پیش بینی کننده قوی تری است از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده گردید. مدل رگرسیونی گرایش به نزاع جمعی با استفاده از روش گام به گام مبین این موضوع است که، با توجه به نتایج حاصله ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۵۰۸ است. ضریب تبیین تصحیح شده برابر با ۰/۲۵ می باشد که نشان می دهد متغیرهای مستقل می توانند حدود ۰/۲۵ واریانس گرایش به نزاع جمعی را تبیین نمایند. در نهایت نیز متغیر اعتماد اجتماعی از مدل خارج شده است.

| مراحل | متغیرهای پیش‌بینی کننده | R | R ² adj | B | Beta | T | Sig.T |
|-------|--|-------|--------------------|--------|--------|-------|-------|
| اول | خویشاوندگرایی | ۰/۳۸۴ | ۰/۱۴ | ۰/۶۸۵ | ۰/۳۸۴ | ۸/۲۳ | ۰/۰۰۰ |
| دوم | خویشاوندگرایی سن | ۰/۴۸۴ | ۰/۲۳ | -۰/۲۴۴ | -۰/۲۹۵ | -۶/۶۸ | ۰/۰۰۰ |
| سوم | خویشاوندگرایی سن پایگاه اقتصادی- اجتماعی | ۰/۵۰۸ | ۰/۲۵ | -۰/۵۹۱ | -۰/۱۶۷ | -۳/۵۳ | ۰/۰۰۰ |

بحث و نتیجه گیری

نتایج مطالعه نشان داد که اعتماد اجتماعی به طور کلی بر گرایش به نزاع جمعی تأثیر ندارد، این نتیجه در ارتباط با ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی - اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی - و ابعاد مختلف گرایش به نزاع جمعی - بعد شناختی و بعد رفتاری گرایش به نزاع جمعی - نیز صدق می‌نماید. این یافته با نتایج پژوهش (سمپسن و گروز، ۱۹۸۹؛ کندی و همکاران، ۱۹۹۸؛ لدرمن و همکاران، ۱۹۹۹؛ کاواچی و همکاران، ۱۹۹۹؛ راز نفیلد و همکاران، ۲۰۰۱؛ گالی و همکاران، ۲۰۰۲؛ چلبی و مبارکی، ۱۳۸۶) همخوانی ندارد. یکی از علل این ناهمخوانی نتایج را شاید بتوان با توجه به نظر لدرمن (۱۹۹۹) در تأثیرات متضاد سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی آن بر روی جرم دانست، به گونه‌ای که سرمایه اجتماعی به طور بالقوه باعث جرم و خشونت بیشتری می‌شود، هنگامی که آن در گروه‌های خاصی، از قبیل گروه تبهکاران، دسته‌های قومی و محله‌های بسته، متمرکز شده باشد و در سرتاسر جامعه منتشر نشده باشد. علاوه بر این، انسجام درون گروه‌های متخاصم ممکن است کشمکش بین آنها را شدت بخشد و توانایی آنها را برای رسیدن به توافق کمتر نماید و سپس جرم و خشونت را در کل جامعه افزایش دهد. برعکس، زمانی که سرمایه اجتماعی تمام افراد جامعه را در بر گرفته و تمام افراد جامعه با همدیگر روابط مبتنی بر اعتماد و صمیمیت داشته باشند، این نوع سرمایه اجتماعی سودمند بوده و بر کاهش جرم تأثیر می‌گذارد (لدرمن و دیگران، ۱۹۹۹ به نقل از چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۱۶)، آنگونه که نتایج توصیفی پژوهش نیز نشان می‌دهد، میزان اعتماد اجتماعی در نمونه مورد مطالعه تنها

برای ۱۰/۱ درصد از افراد در حد بالا بوده است و برای ۸۹/۹ درصد در حد متوسط و پایین می‌باشد. به عبارتی، آن گونه که پارسونز اشاره می‌نماید در جوامع سنتی که در آن‌ها اجتماعات محلی کوچک غالب است، خاص‌گرایی، عاطفه‌گرایی، رابطه‌گرایی و جانبداری به جای عام‌گرایی، خردگرایی و ضابطه‌گرایی رواج دارد و سرمایه موجود در این جوامع از نوع سرمایه درون‌گروهی بوده است (Parsons, ۱۹۶۶)، به نقل از عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۲۰۰). در نتیجه شاید بتوان گفت اعتماد اجتماعی به شکل گسترده به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی در سرتاسر جامعه منتشر نگردیده است؛ به عبارتی اعتماد در این جامعه از اعتماد خاص فراتر نرفته است، در نتیجه نتوانسته است به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی باعث کاهش گرایش به نزاع جمعی در افراد گردد. در نهایت می‌توان اشاره کرد که در این جامعه با تسریع در رسیدن به سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و افزایش اعتماد عام میان افراد می‌توان شاهد پیامدهای مثبتی چون کاهش در گرایش به نزاع جمعی بود، چرا که با ایجاد سرمایه برون‌گروهی و ایجاد اعتماد عام، انسجام عام و عام‌گرایی افزایش می‌یابد و آن گونه که مطالعات چلبی و عبداللهی (۱۳۷۲) در لرستان نشان داد، با افزایش انسجام عام از میزان گرایش به نزاع جمعی در حد بالایی کاسته می‌شود. اما اینکه چگونه می‌توان اعتماد تعمیم‌یافته و نهادی را در جامعه افزایش داد خود موضوعی قابل تأمل و بررسی می‌باشد؛ رزستین و استول معتقدند برداشت‌های افراد از نهادهای سیاسی و کارآمد، عادل، منصف بر اعتماد تعمیم‌یافته افراد مؤثر است، به گفته آن‌ها نهادهای دولتی منشأ ایجاد اعتماد هستند. به گونه‌ای که اگر شهروندان به کارآمدی و عدالت نهادها به ویژه نظام قضایی و پلیس اعتقاد داشته باشند، راحت‌تر به دیگران اعتماد می‌کنند. به باور آن‌ها، وجود فساد، رشوه‌خواری، خودرأیی و سوگیری غیرمنصفانه نظام‌های قضایی و پلیس، بر اعتماد عام افراد تأثیرگذار می‌باشد (Rothstein and Stole, ۲۰۰۸: ۲-۱۸).

هر چه خویشاوندگرایی افزایش می‌یابد میزان گرایش به نزاع جمعی نیز افزایش می‌یابد، این نتیجه هم در مورد گرایش کلی به نزاع جمعی و هم در مورد ابعاد رفتاری و شناختی آن صادق می‌باشد. افرادی که خویشاوندگرا یا در اصطلاح کلی‌تر قوم‌گرا می‌باشند، بر این باورند که گروه‌شان نسبت به گروه‌های دیگر از هر لحاظ برتر است

Archive of SID

(Javalgi et al؛ ۲۰۰۴:۳۲۷ به نقل از ربانی و دیگران، ۱۳۸۸:۱۲۲). به عبارتی،

این عقیده وجود دارد که درون گروهها (افراد یک گروه) به توافق و مسالمت در میان اعضای درون گروه گرایش دارند و در برابر افراد گروه‌های دیگر (گروه‌های بیرونی) تفاوت و تبعیض نشان می‌دهند. این نگرش در جهت توضیح و تفسیر تضاد میان گروه‌ها توسعه داده شده است. راجرز بیان می‌کند که «توضیح در این ارتباط، با این فرض شروع می‌شود که اعضای یک گروه با همدیگر همسان دانسته می‌شوند. آن‌ها یک هویت اجتماعی بدست می‌آورند که اعتبارشان را از این هویت کسب می‌کنند. بنابراین آنها بدین جهت که درونگروه در ارتباط با گروه‌های بیرونی پایگاه یا موقعیت بالایی داشته باشد تشویق و ترغیب می‌شوند؛ به گونه‌ای که حتی در تضاد با افراد خارج از گروه برمی‌خیزند.» (Rogers، ۲۰۰۳:۲۸۸). بنابراین، خویشاوندگرایی از جمله متغیرهایی است که رابطه مثبت و معناداری با گرایش به نزاع جمعی دارد؛ یعنی هر چه میزان خویشاوندگرایی در افراد بالاتر باشد، به همان میزان، گرایش به نزاع جمعی بیشتر خواهد بود. این امر منطقی است زیرا هر چقدر میزان خویشاوندگرایی بالاتر باشد؛ افراد به نوعی بیشتر دچار برتری طلبی برای خویشاوندان خود یا طایفه‌گرایی شده، و برای دفاع از این هویت، در صورت نیاز حتی در اعمالی چون نزاع جمعی مشارکت می‌کنند. در تأیید این موضوع، پورافکاری (۱۳۸۳) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده بود که تعصبات قومی منجر به تنش‌های قومی می‌شود، همچنین این یافته با نتایج تحقیق نظری (۱۳۸۶)، که نشان می‌دهد هر چه میزان قوم‌گرایی افزایش می‌یابد، میزان گرایش به نزاع جمعی نیز افزایش می‌یابد، همخوانی دارد، در نتیجه این یافته قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه است.

افراد با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین که طبقات فرودست جامعه محسوب می‌شوند، گرایش بیشتری نسبت به نزاع‌های جمعی دارند. ایجاد گسست میان اهداف مورد تأیید یک جامعه و وسایل جهت نیل به این اهداف برای این دسته از افراد محتمل می‌باشد، به عبارتی، فقدان یا ضعف شیوه‌ها و راهکارهای تحقق اهداف مورد تأیید در یک جامعه، برخی از کنشگران را وامی‌دارد تا برای رسیدن به خواست‌های خویش، شیوه‌های جدیدی - به عنوان مثال نزاع جمعی را ابداع نمایند یا روش‌های

ناخوشایندی را بکار گیرند که توسط برخی هنجارشکنان به کار گرفته شده و شمر ثمر واقع شده است (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۵۰-۱۴۴، اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۱۶۲ به نقل از هاشمی، ۱۳۸۷: ۳۳)، که مخدوش شدن یکپارچگی نظام اجتماعی از پیامدهای آن می‌باشد.

بررسی ارتباط بین متغیر سن و گرایش به نزاع جمعی نشان داد که با افزایش سن افراد گرایش به نزاع جمعی در ابعاد رفتاری، شناختی و کل کاهش می‌یابد، این یافته با نتایج پژوهش خیال پرستان (۱۳۸۸)، که نشان داد بین سن افراد و نزاع جمعی رابطه معناداری وجود ندارد، همخوانی ندارد. این نتیجه توجه به نسل جوان و نوجوان و نیازهای آنان را ضروری می‌نماید، به گونه‌ای که عدم برنامه‌ریزی‌های مناسب جهت سوق فرصت‌ها و توانمندی‌های این محدوده سنی به سمت فعالیت‌های مفید، خود زمینه گرایش و شرکت هر چه بیشتر آن‌ها در نزاع‌های جمعی را فراهم می‌سازد.

مجموعه نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان دادند که متغیرهایی که به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی - به ویژه در بعد جامعه پذیری - مرتبط می‌باشند، نقش بارزی در میزان گرایش افراد به نزاع دارند و بنابراین زمینه‌های شناختی و آموزه‌های مرتبط به آن‌ها از مهم‌ترین عوامل در تبیین گرایش‌ها و باورهای فرهنگی افراد می‌باشند. معنی‌دار نشدن رابطه بین متغیرهای اعتماد اجتماعی و گرایش به نزاع جمعی نمی‌تواند در تضاد با این ادعا باشد، زیرا برداشت ذهنی و توجیه رفتاری برآمده از شعاع اعتماد، عملاً، تحت تأثیر سازوکارهای جامعه پذیر شدن افراد می‌باشند و با آموزه‌های خاص این سازوکارهای محلی است که شعاع اعتماد و چگونگی تعامل در یک گستره اجتماعی شکل می‌گیرند. چنین ساختار فرهنگی برآمده از بافت اجتماعی و متحلی است که در گستره تاریخی شکل گرفته و هرگونه تلاش به منظور ساماندهی و توانمندسازی ایستارها و رفتارها - به شکل متناسب با فضای شهروندی نوین - مستلزم درک و ملاحظه چیدمان مجموعه زمینه‌های تأثیرگذار بر این رفتارها و ایستارهاست.

پیشنهاد‌های تحقیق

با توجه به نتایج پژوهش می‌توان پیشنهاد‌های زیر را برای کاهش گرایش و تمایلات

افراد مورد بررسی به نزاع‌های جمعی ارائه داد:

Archive of SID

• آگاهی دادن به مردم در رابطه با یک مسأله، گام مهمی در حل مسأله می باشد، از این رو آگاهی دادن به مردم در این رابطه که نزاع‌های جمعی از مهم‌ترین موانع کنونی توسعه استان بوده و مشارکت دادن آن‌ها در کاهش این مسأله ضروری می باشد.

• گرچه در این پژوهش رابطه میان اعتماد اجتماعی و گرایش به نزاع جمعی معنادار نشده است اما همچنان می توان ادعا نمود که با افزایش شعاع اعتماد در جامعه و جایگزینی اعتماد عام به جای اعتماد خاص می توان شاهد اثرات مثبت آن بر کاهش نزاع‌های جمعی بود؛ اما اینکه چگونه می توان اعتماد را در جامعه افزایش داد خود موضوعی قابل بحث و بررسی می باشد، در رهیافت نهاد محور نسبت به اعتماد که می توان به نظریات اوفه و رزستین و استول اشاره کرد، نهادهای موجود در جامعه به عنوان عاملی مهم در ایجاد یا تخریب اعتماد، مورد توجه و تأکید قرار می گیرند. اوفه معتقد است «نهادهای اعتماد را تعمیم می دهند چون اعضای خود را به فضیلت حقیقت گویی پای بند می سازند و نقض این هنجار را به خوبی تشخیص می دهند، وفای به عهد و به ویژه فضیلت محترم شمردن قراردادهای، چیزی نیست مگر گفتن حقیقت به طور جدی. بیشتر عهدها را می توان به کمک نظام قضایی، دارای ضمانت اجرایی کرد. نهادهایی که عملکرد منصفانه و بی طرفانه دارند نیز به تعمیم اعتماد کمک می کنند. برابری در مقابل قانون و مساوات در مشارکت سیاسی، نمونه انصاف است. نهادهای نباید دارای ترجیحات و پیش داوری‌های درونی نسبت به شهروندان باشند و باید نسبت به تفاوت‌های افراد، بی طرفی خود را حفظ کنند» (اوفه، ۱۳۸۵: ۴-۲۵۲).

• آموزش جهت یادگیری ایجاد روابط اجتماعی بر مبنای اعتماد، احترام و ارزش، صداقت، مشورت، شعور، انتقاد و استدلال از طریق نهادهایی چون خانواده، نهادهای آموزشی و به ویژه رسانه‌های ارتباط جمعی می تواند در کاهش این مسأله تأثیرگذار باشد.

• با توجه به گرایش بیشتر گروه‌های سنی جوان و نوجوان به این پدیده نسبت به گروه‌های سنی دیگر، توسعه نهادهای فرهنگی در سطح استان به ویژه سینما، پارک‌های علمی - تفریحی، کتابخانه، فرهنگ‌سرا و افزایش علاقمندی جوانان به شرکت در فعالیت‌های هنری، ورزشی، و ... جهت سوق پتانسیل آن‌ها به سوی فعالیت‌های مفید علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی و ... ضروری می نماید.

- ۱- احمدی، حبیب (۱۳۸۲)، روان‌شناسی اجتماعی، چاپ اول. شیراز: انتشارات دانشگاه.
- ۲- انعام، راحله (۱۳۸۰)، «بررسی اعتماد بین شخصی در بین روستاییان نمونه شهرستان شهریار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا تهران.
- ۳- اوفه، کلاوس (۱۳۸۵)، «چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟»، در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، به کوشش کیان تاجبخش و ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- ۴- بیتس، دانیل و فرد پلاگک (۱۳۸۷)، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ۵- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه سلام.
- ۶- پور افکاری، نصراله (۱۳۸۳)، «نزاع‌های جمعی محلی»، در مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران (۳۷۳-۳۸۶)، چاپ اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۷- چلبی، مسعود و محمد مبارکی (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲، صفحات ۳-۴۴.
- ۸- حسینی، سید رضا (۱۳۸۳)، «بررسی آمار جرایم در ایران ۸۰-۱۳۷۶»، در آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران (مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران) ۱۲۱-۸۳، چاپ دوم، تهران: آگه.
- ۹- حقی، محمد تقی و زینب، افشار (۱۳۸۷)، «بررسی خشونت و نزاع در ابعاد اجتماعی و فرهنگی در استان کهگیلویه و بویراحمد»، مجموعه مقالات اولین همایش تاثیر نزاع بر امنیت اجتماعی، یاسوج: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد.
- ۱۰- خیال‌پرستان، یعقوب (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل موثر بر نزاع و درگیری‌های محلی در میان روستائینان شهرستان دنا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی دهاقان.
- ۱۱- ربانی، رسول؛ عباس زاده، محمد و جواد نظری (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی شهرستان‌های منتخب استان ایلام)»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، صفحات ۱۲۶-۱۰۳.
- ۱۲- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۶)، فرهنگ سیاسی ایران، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۱۳- شکرکن، حسین (۱۳۶۶)، «رابطه میان نگرش و رفتار و رفتار»، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید جمران اهواز، دوره جدید، شماره اول، صفحات ۴۴-۱۷.

۱۴- عبداللهی محمد و چلبی، مسعود (۱۳۷۲)، طرح تحقیقی توصیف و تبیین نزاع‌های جمعی در

لرستان، لرستان: دفتر امور اجتماعی استانداری لرستان.

۱۵- عبداللهی، محمد و میرطاهر موسوی (۱۳۸۶)، «سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره بیست و پنج، صفحات ۲۳۳-۱۹۵.

۱۶- علی پور، پروین؛ زاهدی، محمد جواد و شیانی، ملیحه (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۳۵.

۱۷- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی»، در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآوری به کوشش کیان تاجبخش و ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.

۱۸- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.

۱۹- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴)، «اعتماد و نظم اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره اول، صفحات ۴۷-۲۹.

۲۰- قدیمی، مهدی (۱۳۸۶)، «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان»، پژوهشنامه علوم انسانی: شماره ۵۳، صفحات ۳۵۶-۳۲۵.

۲۱- کریمی، یوسف (۱۳۸۲)، روانشناسی اجتماعی: نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها، تهران: ارسباران.

۲۲- کوئن، بروس (۱۳۷۲)، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

۲۳- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

۲۴- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران: نشر مرکز.

۲۵- نظری، جواد (۱۳۸۶)، «تبیین جامعه شناختی میزان گرایش به نزاع جمعی در استان ایلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

۲۶- هاشمی، سید ضیاء (۱۳۸۷)، «بررسی ابعاد فرهنگی و اجتماعی نزاع»، مجموعه مقالات اولین همایش تاثیر نزاع بر امنیت اجتماعی، یاسوج: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویر احمد.

27- Alexander, C, J. (2001). «The Binary Discourse of Civil Society». In Seidman, S. and c. J. Alexander(EDS). The new Social Theory Reader. London: Rothledge.



28- Bennetta, S. D., P. Farringtona, L. R. Huesmannb and A. Calvo (2005).

«Explaining gender differences in crime and violence: the importance of social cognitive skills», *Aggression and Violent Behavior*, Vol. 10, Issue. 3, pp.263 – 288.

29- Le Franc, E., M. Samms-Vaughan, I. Hambleton, K. Fox, D. Brown (2008).

«Interpersonal violence in three Caribbean countries: Barbados, Jamaica, and Trinidad and Tobago.» *Rev Panama Salud Publica*. Vol. 24, No.6, pp. 409-421.

30- Newton, k. (2004). *Social Trust: Individual and Cross- national Approach*. *Portuguese Journal of Social Science*., vol.3, no. 1, PP. 15-35.

31- Rothstein, B., and D. Stolle. (2008). «The State and Social Capital: A Theory of Generalized Trust». *Comparative Politics*. Vol. 40, No.4, July 2008.

32- Rogers, w, S. (2003). *Social Psychology: Experimental and Critical Approaches*. Philadelphia: Open university press.

33- Simmel, G. (*The Philosophy of Money*. Translated by T. Bottomore. London: Routledge.

34- Welch, M. R. and Others. (2005). «Determinants and Consequences of Trust» . *Sociological Inquiry*, Vol. 75, No.4, PP. 453-473.